

Abstract

The purpose of this study was to investigate the tactics and strategies for solving the problem of international relations in Imami jurisprudence with emphasis on the Prophetic and Alawite tradition. The following were extracted: 1. In the field of problems, we can mention the heterogeneity of the international community, the hardening of powers in the world arena, economic rigidity, international hegemony, violation of the rights of other countries and the existence of non-governmental actors, and tactics and strategies. Solving the problems of international relations include: strategy of denying pluralism, strategy of value and dignity of humanity, strategy of tolerance, strategy of denying humiliation, strategy of denying oppression, strategy of independence and non-dependence, strategy of conveying the divine message, strategy of peace and prevention of war, strategy of guiding The whole world and the strategy of Toli and Tabari as Islamic strategies to solve the challenges of international relations.

Keywords: International Relations, Imami Jurisprudence, Prophetic and Alawite Sira.

10.30510/PSI.2022.324681.2954

بررسی تاکتیک ها و استراتژی های حل مشکل روابط بین المللی در فقه امامیه با تاکید بر سیره نبوی و علوی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۱۵

باقر حیدری^۱هرمز اسدی کوهباد^۲مسعود راعی دهقی^۳

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی تاکتیک ها و استراتژی های حل مشکل روابط بین المللی در فقه امامیه با تاکید بر سیره نبوی و علوی بوده است، در ابتدا مطالعات کتابخانه ای و فیش برداری ها صورت گرفت و پس از بررسی کتب و مقالات مرتبط پیرامون موضوع مورد پژوهش، موارد زیر استخراج شد: ۱. در حیطه مشکلات می توان به ناهمگونی جامعه بین المللی، تصلب رفتاری قدرت ها در عرصه جهانی، تصلب گرایی اقتصادی، سلطه طلبی بین المللی، تعدی به حقوق سایر کشورها و وجود بازیگران غیر دولتی اشاره کرد و تاکتیک ها و استراتژی حل مشکلات روابط بین المللی عبارتند از: استراتژی نفی تکثر، استراتژی ارزش و کرامت انسانیت، استراتژی مدارا، استراتژی نفی ذلت، استراتژی نفی ظلم، استراتژی استقلال و عدم وابستگی، استراتژی ابلاغ پیام الهی، استراتژی صلح و ممانعت از جنگ، استراتژی هدایت برای کل جهان و استراتژی تولی و تبری به عنوان استراتژی های اسلام برای حل چالش های روابط بین الملل .

کلید واژه ها: روابط بین المللی ، فقه امامیه، سیره نبوی و علوی.

^۱گروه فقه و مبانی اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران

^۲گروه فقه و مبانی اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران ، نویسنده مسئول، asadi.kohbadi@gmail.com

^۳گروه حقوق، الهیات و معارف اسلامی ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

علی رغم وجود تاریخچه عمیق روابط و مناسبت های دولت ها ، روابط بین الملل به عنوان یک دانش ماحصل بررسی ها و مطالعات نظریه پردازان علوم سیاسی در ده های اخیر می باشد ، لذا روابط بین الملل علم نسبتا جدیدی به شمار می رود (میراحمدی، ۱۳۹۷). و همچنین تئوری پردازی در روابط بین الملل نسبت به مقوله دین در یک سردرگمی به سر می برد. از یک طرف بخش اعظمی از تحولات چند دهه اخیر مناسبات بین الملل با بازگشت دین به عرصه ارتباطات بین الملل ارتباط دارد. که این تحولات، قدرت آموزه ها و نهادهای دینی را در روابط بین المللی به نمایش گذاشته است. و این درحالی است که هیچ یک از تئوری های کلان در زمینه روابط بین الملل به مفهوم دین و آموزه های آن نپرداخته اند و این امر منجر به این جاور شده است که دین و انگاره های آن در تبیین روابط بین الملل قاصر است این در حالیست که می توان اذعان داشت اسلام فراتر از اندیشمندان علوم سیاسی و اجتماعی اندیشیده است و قادر است رهیافتی نوین و متفاوت از چارچوب های نظری کنونی را ارائه دهد و مسیر روشنی را در تبیین کنش ها و واکنش ها در مناسبات بین المللی ایجاد نماید (عبدخدایی، ۱۳۹۸) لذا پژوهش حاضر بر آن است تا با بررسی مبانی و مفاهیم تفکر و جهان بینی اسلامی تاکتیک ها و استراتژی حل مشکل روابط بین المللی در فقه امامیه با تاکید بر سیره نبوی و علوی را ارائه نماید

فقه و روابط بین الملل

ضرورت در عرصه روابط بین الملل برای ارتباط کشورهای اسلامی با دیگر کشورها فهم فقهی و موضوع شناسی در فقه روابط بین الملل می باشند، لازمه این امر باید دو بحث را دقت و توجه کرد: در مرحله اول باید بدانیم چه اتفاقی در حال رخ دادن است، چه نظریاتی مطرح شده است، نکته دوم بحث قدرت استنباط احکام الهی است

نیاز جامعه امروزی و ضرورت، ارتباط و در کنار همدیگر بودن می باشد، سرنوشت جامعه های بشری چنان به یکدیگر تنیده است که نه تنها برای هیچ ملتی ممکن نیست، جدا از دیگر ملت ها زندگی کند که عوامل حیاتی زیادی همه جامعه ها را به همکاری و تعاون با یکدیگر فرا می خولند، تا آن جا که امروز روابط دولتها با یکدیگر، مانند روابط بین افراد کشور، شهر و محله است و هر چه پیش می رود این ارتباط و وابستگی بیش تر می گردد.

چنان که امام خمینی (ره) در این باره فرمودند: (امروز دنیا مانند یک عائله و یک شهر است و یک شهر دارای محله های مختلفی است که با هم ارتباط دارد) و براساس همین بینش و همین احساس بایستگی است که به روشنی اعلان می دارد: (وقتی دنیا وضعش این طور است، ما نباید منعزل باشیم، ما باید با کشورهای بی که با ما هستند و ما را اذیت نمی کنند، روابط داشته باشیم... اسلام یک نظام اجتماعی و حکومتی است و می خواهد با همه عالم روابط داشته باشد.

رابطه فقه و روابط بین الملل با توجه به اینکه کشور ایران یک کشور اسلامی و بر اساس قرآن و قوانینی که از قرآن و احادیث ائمه اطهار و پیامبر عظیم الشان اسلام می باشد اداره و دایره حکومتی آن بر اساس همین قوانین می باشد و باید گفت امروزه یکی از نیازهای اساسی کشور رابطه با کشورهای غیر اسلامی است و باید در سطح وسیعی مطرح بشود و باید جنبه‌های عملیاتی نیز به خود بگیرد و بحث‌هایی که در حوزه فقه و روابط بین الملل می‌خواهیم بررسییم در عرصه عملی نیز بتوانیم از آنها استفاده کنیم، چون انتظار این است که ۴۰ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه سیاست خارجی و روابط بین الملل به دنبال اجرای احکام فقهی خود که در حقیقت اجرایی کردن احکام موجود در قرآن کریم و فرمایشات اهل بیت علیهم السلام است را بتوانیم در روابط بین الملل عملیاتی کنیم.

در خصوص مفهوم روابط بین الملل باید گفت که چند واژه در عرصه سیاست خارجی و روابط بین الملل داریم که از جمله آنها واژه «سیاست خارجی» و «روابط بین الملل» است، سیاست خارجی Foreign policy اشاره به سیاست‌هایی دارد که یک دولت در عرصه خارجی خود به آن می‌پردازد.

اما روابط بین الملل فارغ از اینکه یک دولت با دولتی دیگر چه روابطی داشته باشد، یک دغدغه جدی در عرصه بین الملل وجود دارد و آن تحقق صلح و امنیت بین المللی است. برای تحقق چنین صلحی و پرهیز از جنگ و خونریزی در نظام بین الملل ناگزیر هستیم، برخی از سیاست‌ها و راهبردهایی را دنبال کنیم.

اگر سطح بحث را بر روی روابط میان کشورها، ملت‌ها و سازمان‌های بین المللی که بازیگران اصلی روابط بین الملل هستند ببریم، نه از حیث سیاست داخلی یک کشور و یا سیاست‌های تحمل شده از سوی یک کشور در عرصه بیرونی، آن راهکارهایی که در فقه وجود دارد و می‌تواند صلح و امنیت بین الملل را به ارمغان بیاورد، تحت عنوان فقه روابط بین الملل از آن نام می‌بریم.

دانش واژه فقه در روابط بین الملل، در نگاه اول، واژه‌ای ترکیبی است، ترکیب دو واژه که فقه روابط بین الملل که فقه روابط بین الملل را به مثابه دانشی مرتبط با دو دانش فقه و روابط بین الملل پدید آورده است در این دانش ترکیبی، فقه ناظر به مجموعه‌ای از دانش احکام شرعی عملی است که هر حکمی دلیلی روشن قرار گرفته است (حلی، ۱۴۰۳: ۴۷) در تعریف دیگری فقه علم به وظایف و تکالیف معین نشده بر مسلمانان در شریعت اسلامی از طریق ادله تفصیلی شریعت است (مومن قمی، ۱۳۸۰: ۷) فقه سیاسی در تاریخ فقه امامیه جدای از فقه مطرح نبوده است، تاریخ شناسان فقه شیعی، در بیان سیر تاریخی و سیاسی فقه امامیه، ادوار پنج گانه‌ای را اشاره می‌کنند؛ ۱- دوران حاکمیت تشیع در عرصه حکومت نبوی و علوی، ۲- دوران تقیه و انزوا و مدارا با حکومت‌ها و دوران طولانی حمونت امویان و عباسیان، دوران همکاری با سلاطین شیعه، ۴- دوران مشروط و محدود کردن قدرت سلاطین و نظارت بر عملکرد آنان و ۵- دوران حاکمیت فقه و فقیهان شیعه (ورعی، ۱۳۹۵) روابط بین الملل به عنوان دومین بخش واژه ترکیبی فقه و روابط بین الملل، به مطالعه علمی کانون‌های قدرت در یک کشور و اهداف و انگیزه‌های آنها در روابط خارجی می‌پردازد (میراحمدی، ۱۳۹۷) نظریه روابط بین الملل در دو معنای موسع و مضیق قابل بررسی است. در معنای موسع،

به معنای یک ایده و اندیشه نظامند و سازمان یافته در مورد روابط بین الملل است و در معنای محدود، نظریه روابط بین الملل مجموعه منظمی از دانش و معرفت می باشد (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۹: ۱۲۰-۱۲۱)

بدین ترتیب، روابط بین الملل، از سه دیدگاه مورد مطالعه قرار می گیرد: الف) دیدگاه تئوری ها، به طبیعت و محرک های اصلی جامع بین المللی توجه دارد، ب) دیدگاه جامعه شناسی به بی نظمی های جامعه بین المللی می پردازد و ج) دیدگاه تاریخ، جریان زندگی بین الملل و دگرگونی جامعه بین المللی را مطرح می سازد (مصفا، ۱۳۸۵: ۱۲). برخی معتقدند که نظریه روابط بین الملل یعنی: مطالعه سیستماتیک پدیده های قابل مشاهده که سعی دارد از طریق کشف متغیرهای عمده، به توضیح و تشریح رفتارهای گوناگون پردازد و مختصات انواع روابط میان واحدهای ملی را بیان کند. (قوام، ۱۳۸۹) به طور کلی نظریه روابط بین الملل، مجموعه ای از گزاره ها، مفروضه ها و مفاهیم مرتبط به هم که به صورت سازمان یافته عمل نموده و در نهایت قادر به تبیین و تحلیل پدیده های قابل مشاهده و یا پدیده های که امکان رخداد آنها پیش بینی می گردد، می باشد (عباسی و جمالی، ۱۳۹۹: ۱۳۵).

شکی نیست که فقه روابط بین الملل نیز همچنان دیگر اقسام فقه و از جمله فقه سیاسی نیازمند به کارگیری اجتهاد است، اجتهاد الگوی روشی است که فهم آن در گرو مراجعه به دیدگاه فقه است و فقه روابط بین الملل بر این است که با به کارگیری این اصول و قواعد به تبیین احکام شرعی حاکم بر روابط بین الملل دولت های اسلامی پردازد بنابراین، نمی شود از فقه روابط بین الملل انتظار مدیریت روابط بین الملل و یا تبیین قوانین مدیریتی عرصه روابط بین الملل داشت. همچنین فقه روابط بین الملل نقشی در تبیین شیوه ها و سازکارهای مدیریت عرصه روابط بین الملل نداشته، تنها از اصول، ارزش ها و احکام لازم الاجرا برای مؤمنان ساختن عرصه روابط بین الملل سخن می گوید (میراحمدی، ۱۳۹۷: ۶-۱۳)

اصول حاکم بر روابط بین الملل

با تاکید به اصول حاکم بر، نظریه اسلامی روابط بین الملل، مفاهیم چهارده گانه ای را می توان استخراج کرد که با توجه به آنها زمینه تحلیل بیشتر موضوعات بین المللی فراهم خواهد گشت: واقع گرایی یا اصالت واقع (براساس این اصل سیاست خارجی بر مبنای منافع ملی صورت می پذیرد (دهشیری، ۱۳۷۸ و ازغندی، ۱۳۷۸) ۲- جوهر گرایی^۲ بر اساس این اصل بر وجود نظم، جوهر و مرکزیت در عالم وجود تاکید می شود (ماحوزی، ۱۳۹۱) ۳- اصل علیت^۳ بر اساس این اصل علت، هستی بخش و واقعیت دهنده حقیقی وجود معلول است (قربانی، ۱۳۸۶) ۴- اصل توحید^۴ این اصل بر یگانگی خداوند تاکید دارد

¹ The originality of fact

² Essentialism

³ Principle of causality

⁴ Principle of Monotheism

(تسخیری، ۱۳۸۴) ۵- اصل عدالت^۵ یکی از مهم‌ترین اصول اسلامی در تعاملات بین‌المللی به حساب می‌آید (ابن تراب، ۱۳۸۵) ۶- اصالت فرد و جامعه، بر اساس این اصل عامل محرک و رهبر تاریخ انسان‌ها هستند و جامعه نیز بسیار شبیه فرد است و فرد و جامعه دارای رسالت ماهوی هستند (اژه ای، ۱۳۸۵) ۷- ماهیت روحانی و جسمانی انسان، روح و جسم علی‌رغم استقلال وجودی مکمل یگدیگر می‌باشند (عباسی و جمالی، ۱۳۹۹) ۸- اصالت فردی و اجتماعی انسان، بر اساس این اصل انسان به عنوان یک فرد دارای تمایلاتی است و از طرفی جامعه انسان را به سمت سرشت جمعی حرکت می‌دهد (ابراهیم زاده آملی، ۱۳۸۹) ۹- آزادی انسان و جوامع انسانی بر اراده و اختیار انسان اشاره دارد (سید هاشمی و موسوی خو، ۱۳۹۰) ۱۰- امکان‌شناسی شناخت، در حکمت اسلامی شناخت با مفاهیمی همچون علم، ادراک و عقل مطرح می‌شود (شجاعی، ۱۳۸۶) ۱۱- تکرر متعلقات مادی و غیرمادی شناخت در این راستا می‌توان از وحی، عقل، ادراکات باطنی انسان به عنوان متعلقات غیر مادی، و از سیره و سنت به عنوان یکی از متعلقات مادی شناخت نام برد (عباسی و جمالی، ۱۳۹۹: ۱۴۴) ۱۲- تکرر مراتب و منابع شناخت، این اصل بر منابعی همچون قرآن و سنت اشاره دارد (یوسفی راد، ۱۳۹۱) ۱۳- تکرر معیارهای اعتبار و داوری، بر اساس این اصل منابع متعددی برای داوری وجود دارد که در نظریه‌های اسلامی وحی و عقل از پراهمیت‌ترین آن‌هاست (جبرئیلی، ۱۳۷۶) ۱۴- تکرر روش‌های شناخت، بر اساس این اصل شناخت‌های انسانی از منابع متعددی همچون تجربه، حواس ظاهری و معلومات فطری و غیراکتسابی شکل می‌گیرد (شجاعی، ۱۳۸۶).

چالش‌های روابط بین‌الملل

چالش‌های جدی روابط بین‌الملل عبارتند از ۱- رویکرد ابزاری به کشورها در عرصه بین‌المللی ۲- عدم پایداری اعتماد و استمرار در مواضع (افتخاری، ۱۳۸۹) که علل آن را می‌توان در موارد ذیل جست و جو نمود:

عدم همگونی جامعه بین‌المللی: الگوهای سیاسی مختلف ساختارهای متفاوت فرهنگی سیاسی و اقتصادی، منجر به تعارض منافع می‌گردد (موسوی و خسروی، ۱۳۹۵). عرصه حیات بشری متشکل از الگوها و تفکرات متنوعی است که هر یک ویژگی‌ها و اهداف متفاوتی را دارند و ازین منظر تکرر وصف عام نمادها و ساختارهای سیاسی و اجتماعی است (اسچچتر^۷، ۱۹۹۹: ۲۵۲-۱۵۳) و این امر منجر شده است در عرصه جهانی، تعارضات به تکرر نسبت داده شود (اسحاق بن محمد همدانی، ۱۳۵۷: ۵۲-۵۷).

سلطه رفتاری قدرت‌ها در عرصه جهانی: قدرت‌های جهانی بدون در نظر گرفتن اصول و قواعد انسانی و با سلب حقوق و اصالت عدالت، صرفاً بر اساس منافع و حمایت از متحدان و پیروان خود عمل می‌کنند.

⁵ Principle of Justice

⁶ Possibility of Recognition

⁷ Schechter

نمایند تصلب‌گرایی منفعتی و رویکردهای انحصاری بر اهداف مادی و تامین نیازهای اعضای و متحدان قدرت‌ها تاکید دارد (امام جمعه زاده و تویسرکانی، ۱۳۸۷).

تصلب‌گرایی اقتصادی: در تصلب‌گرایی اقتصادی منفعت و سود راهمای روابط بین‌المللی می‌باشد و ارزش‌های ارتباطات سیاسی با منافع مادی تخمین زده می‌شود به پونه‌ای که روابط بین‌المللی در گرتو منافع مادی و اقتصادی شکل می‌گیرد و همچنین نقض و قطع روابط بین‌المللی بر اساس عدم تنفیج مادی می‌باشد (کلینتون، ۱۳۷۹) لذا می‌توان گفت مادی‌گرایی و اصالت سود در تمامی روابط بین‌المللی از ویژگی‌های چالش‌برانگیز روابط بین‌المللی می‌باشد (افتخاری، ۱۳۸۹).

سلطه طلبی بین‌المللی: که به عنوان یک الگو در سطح جهانی کاملاً نمایان است. به گونه‌ای که شاهد هزینه‌های گسترده قدرتها و کشورها در مواضع مختلف به منظور تسلط بر سایر کشورها می‌باشد. قدرت طلبی، رقابت‌ها، جنگ‌های نافرجام و هزینه‌های انسانی از نمونه‌های بارز این امر می‌باشد لذا می‌توان گفت تعارض، دشمنی و اختلاف در روابط بین‌الملل بر همکاری و هم‌افزایی اولویت یافته است (لینکبتر، ۱۳۸۶).

تعدی به حقوق سایر کشورها: با عنایت به تفکرات تصلب‌رفتاری قدرت‌ها و سلطه‌طلبی آنها شاهد تعدی به حقوق اجتماعی و انسانی سایر کشورها هستیم و متأسفانه تعدی به عنوان یک الگوی عمومی جوامع پذیرفته شده است به گونه‌ای که تجاوز و کشتار به سایر کشورها به منظور ارضای نیاز سلطه‌طلبی و تامین منافع امری است که به عنوان یک حق رسمی برای کشورهای قدرت طلب پذیرفته شده و نوی‌هنجار تلقی می‌گردد.

بازیگران غیردولتی: اگرچه در فرایند مرتبت با روابط بین‌المللی عمدتاً بر نقش دولت و حکومت تاکید می‌گردد لیکن در مناسبات بین‌دولت‌ها عوامل متعددی از جمله سایر پروه‌ها و حکومت‌ها، فرقه‌ها و غیره تاثیرپزار می‌باشد (موسوی و خسروی، ۱۳۹۵).

عدم اجماع داخلی: نبود اجرای دیپلماسی در معنای علمی و عدم وجود تعریف واحد از دیپلماسی به گونه‌ای که در برخی از نگرش‌ها مسئولان سیاسی کشور بر جهانی شدن و لزوم همراهی ایران با این مفهوم تاکید دارند و برخی دیگر کلید حل مشکلات را صرفاً اتکا بر توانمندی شور می‌دانند (ارغوانی پیرسلامی و اسمعیلی، ۱۳۹۸).

استراتژی‌های اسلامی، حل مشکل روابط بین‌الملل

با توجه به موارد پیش‌گفته می‌توان در یک جمع‌بندی سه رکن اساسی را برای مشکلات موجود روابط بین‌الملل اشاره کرد: اصالت تكثر، رویکرد ابزاری و و مادی‌گرایانه و تعدی و خشونت در روابط بین‌المللی که این امر باعث می‌شود در عرصه بین‌المللی منافع ملی بر منافع بین‌المللی ارجحیت داشته باشد،

قوانین تابع قدرت و آویزه دست قدرتمندترین ها می باشد و همچنین ثبات و پایداری در روابط بین المللی وجود نخواهد داشت و شرایط و منافع تعیین کننده دوستی ها و دشمنی هاست (افتخاری، ۱۳۸۹)

استراتژی های نفی تکثر

در جواب به ناهمگونی های جامعه بین المللی به عنوان یکی از چالش های روابط بین المللی؛ آنچه الگوی الهی را از الگوی اسلامی جدا می سازد اصالت بخشیدن به تکثر است به این معنا که تکثرگرایی فلسفه حیات جمعی را تحت تاثیر قرار دهد و تمامی ساختارهای بین المللی و روابط آن بر این مبنا تعریف گردد (افتخاری، ۱۳۸۹). این در حالیست که خداوند متعال با نفی تکثر و تاکید بر اصل توحید، جامعه را به یک رکن اساسی (الله) دعوت نموده است که این امر بر محوریت بلامنازع این اصل در گفتمان اسلامی تاکید دارد (عبدالباقی، ۱۳۸۴: ۴۹-۵۱)

استراتژی ارزش و کرامت انسانیت

از دیدگاه قرآن انسان ها دارای ارزش ذاتی بوده اند و نمی توان به شاخص های کمی ارزش آنها را اندازه گرفت به همین دلیل در سوره مبارکه مائده آیا ۳۲، بر این نکته اشاره دارد که قتل یک انسان معادل قتل تمامی انسان ها و نجات یک انسان معادل نجات تمامی انسان هاست لذا می توان گفت در روابط بین الملل، سعادت تک تک انسان ها اصل استراتژیک اسلامی است (افتخاری، ۱۳۸۹: ۲۱۴).

استراتژی مدارا

با توجه به اصل لا اکراه فی الدین بر مبنای دستورات دین مبین اسلام، مسلمانان نباید برای ترویج عقیده در میان سایر ادیان و ملی ها به سیاست های اجبارآمیز در حوزه دینی دست بزنند بهره مندی از اصل عدم مداخله قهرآمیز در ترویج عقیده منجر به کاهش سطح تعارضات در مناسبات بی نالمللی خواهد شد، (طاهری، ۱۳۹۴: ۸۰-۸۱) رفتارهای پیامبر بیشتر همراه با مدارا بودند تا مردم بتوانند اصل دین را در جامعه بپذیرند بدین روی مخالفت های کلامی و عملی با گذشت پیامبر همراه بود به تعبیر دیگر مدارا با اعتقاد ورزان نه با اعتقادات (سروش، ۱۳۷۶، ۳۱۰). اصل اولیه رفتار پیامبر (ص) این بود که با تساهل و تسامح با مخالفان همواره با مدارا بوده و با ملایمت با آنها را به دین حق دعوت می نمود

استراتژی نفی ذلت

در آیات ۸۹ و ۹۰ سوره نساء خداوند دو نوع از نفی سییل را مورد توجه قرار داده است نخست نفی سییل مسلمانان بر گروهی از کفار که به دلیل تعارض و جنگ با مسلمانان وارد نشده و متقاضی صلح هستند؛ سپس نفی سییل کفار را بر مسلمانان متذکر شده، دلالت این دو حکم آن است که لطمه همراه با حقارت از ناحیه الهی نفی شده است و چنان نیست که تعریف و اعمال آن برای مسلمانان مجاز باشد و برای غیر مسلمانان مردود باشد. این حکم بر اوج کرامت جامعه بشری در ارتباطات بین المللی تاکید دارد (افتخاری، ۲۱۵: ۱۳۸۹).

مرحوم صاحب جواهر در شرح اصل نفی سبیل ذیل مساله‌ی اولیاء تصرف، موضوع ولایت داشتن کافر بر مسلمان را رد کرده و عدم ولایت کافر را بیان می‌نماید، نعم لو نقص الولیان بجنون ونحوه ثم کملا عادت الولاية لتناول الإطلاقات حینتذ، ولو كان أحدهما كافرا والولد بحکم المسلم بتبعيته لأحدهما، فالظاهر عدم ولايته لأنها سبیل للكافر علی المسلم، و (لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ) له (النجفی الجواهری، ۱۳۶۲، ج ۲۲، ۳۲۳)، چرا که این ولایت داشتن نوعی سبیل و تسلط بر مومن بوده که این تسلط و ولایت داشتن ممنوع و محرم می‌باشد.

مرحوم امام خمینی نیز در کتاب البیع خود، مساله‌ی نفی سبیل را اشاره نموده که أما الآیة الکریمه وهی قوله تعالی: (لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) ففیهما مع قطع النظر عن صدرها احتمالات حسب ما فی التفاسیر وغیرها، لكون السبیل بمعنی النصر أو بمعنی الحجّة فی الدنیا أو الآخرة أو بمعنی السلطنة الاعتبارية أو الخارجیة. ولكن الظاهر عدم استعمال السبیل إلا فی معناه، وهو الطریق فی جمیع الاستعمالات التي وقعت فی الكتاب الکریم وغیره، ایشان می‌فرمایند معنای حقیقی سبیل همان طریق می‌باشد، که گاهی نیز بنا بر حقیقت ادعائیه استعمال می‌گردد. ومواردها کثیره جدا فی الكتاب العزیز، لكن أرید منه فی بعضها معناه الحقیقی بحسب الجد، وفی أغلبها المعنی المجازی بنحو الحقیقه الادعائیه بل من الممكن أن یكون المراد نفی جعل السبیل مطلقا، فالمراد أنه تعالی لن یجعل للكافرين طریقا وسبیلا علی المؤمنین لا فی التکوین ولا فی التشریع، أما فی التکوین فلانه تعالی أید رسوله صلی الله علیه وآله والمؤمنین بتأییدات کثیره معنویة وصوریه، وإمداد من الملائکة والوعد بالنصر، وغیر ذلك مما توجب قوة وشدة واطمئنانا للجیش الاسلامی، ... فالله تعالی جعل طرقا کثیره للمؤمنین علی الکافرين فی التکوین ولم یجعل ولن یجعل للكافرين علی المؤمنین طریقا وسبیلا، إذ لم یؤیدهم بتأیید صوری أو معنوی یوجب تقویتهم وغلبتهم، فهذه التأيیدات والسبل أمور زائدة علی ما هو المشترك بین طوائف البشر من إعطاء العقل والقوة والقدرة فعلى هذا یصح أن یقال: لن یجعل الله للكافرين علی المؤمنین سبیلا فی التکوین، بل جعل لهم سبیلا بل طرقا وسبلا، وكذا لم یجعل طریقا لهم علی المؤمنین فی الاحتجاج، فان کتاب المؤمنین تاب لا یأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه، بل حجة المؤمنین حجة ظاهرة قوية. وأما فی التشریع فلانه لن یجعل الله للكافرين سلطة اعتبارية علی المؤمنین مثل ما جعل رسول الله صلی الله علیه وآله ولیا وسلطانا علی الناس ومن بعده خلفاء المعصومین علیهم الصلاة والسلام، ومن بعدهم العلماء بالله الامناء علی حلاله وحرامه، فهذا أيضا طریق وسبیل لن یجعله لهم علیهم كما أن الحجّة للمؤمنین علی الکافرين فی القيامة. فتحصل من ذلك أن نفی السبیل مطلقا لازمه نفی جمیع السبل تکوینا وتشریعا، فلم یکن الامر دائرا بین أحد المعانی، كما یظهر من المفسرین وغیرهم ... (الخمينی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ۵۴۱-۵۴۲)، ایشان نفی سبیل را مطلق دانسته که هم شامل حکم تکوینی و تشریعی می‌گردد، به این معنا که در حکم تشریعی مومنین نباید قراردادهای و تعهداتی که تسلط کافران بر مومنین به همراه دارد را بپذیرند.

مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی در توضیح قاعده‌ی فقهی نفی سبیل و اینکه این قاعده حکم تشریعی می‌باشد، می‌فرمایند: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»، و الظاهر من الآیة ان المراد منها انه تعالی لم یجعل

و لن يجعل بالجعل التشريعی حکماً موجباً لتحقق السبيل و السلطه للكافر على المؤمن، خصوصاً بعد ملاحظه ان الجعل التكويني بمعنى الغلبه الخارجيه التكوينيّه أمر متحقق مشاهد بالوجدان، و قد أخبر به تعالى في بعض الآيات الحاكيه عن ظفر الكفار و مغلوبيه المسلمين، فسبيل الآيه حينئذ سبيل آيه نفى الحرج المشتمله على نفى جعل حكم حرجي في اللدين، فكما أن آيه نفى الحرج حاكمه على الأدله الأوليه الظاهره في ثبوت الحكم في مورد الحرج ايضاً، و متصرفه فيها بالحمل على غير صورته الحرج، غايه الأمر بلسان الحكومه لا بلسان التخصص، كذلك هذه الآيه حاكمه على الأدله الأوليه الداله على ثبوت الحكم في مورد السبيل ايضاً، فهي حاكمه على مثل (أحلّ الله البيع) الدال بإطلاقه على نفوذ بيع العبد المسلم من الكافر، و على أدله النكاح الداله بإطلاقها على مشروعيه تزويج المؤمنه من الكافر، و على أدله ولايه الأب و الجدّ للدله كذلك على ثبوت الولايه لهما إذا كانا كافرين على الولد المسلم، و على غيرها من الأدله الأوليه الأخرى، و يوجب اختصاصها بما إذا لم يتحقق السلطه و السبيل، و إلا لم تجعل مشروعيه البيع و النكاح و الولايه المذكورات، و بالجملة هذه الآيه، و إن لم يقع فيها التعبير بللدين كما في آيه الحرج، لئلا ان الظاهر اتحاد سبيلهما، و إن المراد من الجعل المنفي هو الجعل التشريعی المرتبط بمقام الاحكام و تشريعها، و على ما ذكرنا فدلاله الآيه على القاعده ظاهره. (الفاضل اللنكراني، ۱۳۸۳، ج ۱، ۲۳۴-۲۳۵)، ايشان در اين عبارت قاعدهی نفی سبيل را يك حكم ثانوی دانسته که بر احكام اوليه، حکومت دارد.

استراتژی نفی ظلم

در جواب به چالش تصلب رفتاری قدرت ها در عرصه جهانی، استراتژی نفی ظلم مورد توجه اسلام قرار دارد و نه تنها ظلم به خود در سطوح مختلف مورد مذمت قرار گرفته است بلکه ظلم به سايرين نیز نفی شده است. خداوند در آيه ۱۶ سوره قصص بر اين تکتة اشاره دارد که هيچ کس حق ندارد به خود ظلم کند واصل بر حفظ عزت و جایگاه حتی توسط خود فر حقيقي و حقوقی می باشد، و بر همین اصل نیز نمی توان سايرين را مورد ظلم قرار داد و در آيه ۸۲ سوره انعام نتیجه اجتناب از ظلم را امنیت و هدایت معرفی می نماید. در نفی ظلم بر خود و حفظ عزت و قايح زیر قابل تدقق می باشد.

هنگامی که رسول خدا دعوتش را آشکار کرد، سران «قریش» نزد «ابوطالب» آمده و گفتند: ای «ابوطالب» فرزند برادرت ما را سبک مغز می خواند، و به خدایان ما ناسزا می گوید، جوانان ما را فاسد نموده، و در جمعیت ما تفرقه افکنده است، اگر این کارها به خاطر کمبود مالی است، ما آن قدر مال برای او جمع آوری می کنیم که ثروتمندترین مرد «قریش» شود و حتی حاضریم او را به ریاست برگزینیم، «ابوطالب» این پیام را به رسول الله (ص) عرض کرد، پیامبر (ص) فرمود: لَوْ وَضَعُوا الشَّمْسَ فِي يَمِينِي وَالْقَمَرَ فِي يَسَارِي مَا أَرَدْتُهُ، وَ لَكِنْ يُعْطُونِي كَلِمَةً يَمْلِكُونَ بِهَا الْعَرَبَ وَ تَدِينُ لَهُمْ بِهَا الْعَجَمَ وَ يَكُونُونَ مَلُوكاً فِي الْجَنَّةِ: «اگر آنها خورشید را در دست راست من و ماه را در دست چپ من بگذارند من به آن تمایل ندارم، ولی (به جای این همه

وعده ها) یک جمله، با من موافقت نمایند، تا در سایه آن بر عرب حکومت کنند، و غیر عرب نیز به آئین آنها درآیند، و آنها سلاطین بهشت خواهند بود»، «ابوطالب»، این پیام را به آنها رسانید، آنها گفتند: حاضریم به جای یک جمله، ده جمله را بپذیریم (کدام جمله منظور تو است؟)، پیامبر(ص) به آنها فرمود: تَشْهَدُونَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أُنِّي رَسُولُ اللَّهِ: «گواهی دهید که معبودی جز الله نیست، و من رسول خدا هستم»، آنها (از این سخن سخت و حشت کردند و) گفتند: ما ۳۶۰ خدا را رها کنیم تنها به سراغ یک خدا برویم؟ چه چیز عجیبی؟ (آنها خدائی که هرگز دیده نمی شود)، (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ۲۱۴-۲۱۵)، در نتیجه پیامبر اسلام در مقابل تطمیع قریش حاضر به دست برداشتن از اصول خود نشده و کوتاه نیامدند، داستان عزت دیگر مسلمانان در شعب ابیطالب است که در مقابل تهدید و تعذیب کفار ذلیل نشده و بر اصول خود پای فشردند، هرچند زحمات زیادی را بر خود هموار نموده باشند،

استراتژی استقلال و عدم وابستگی

با توجه به آیه ۱۴۱ سوره مبارکه نساء براین اصل تاکید میکند که خداوند سبیل و طریقی برای کافران بر مؤمنان قرار نداده است مفهوم استراتژی استقلال و عدم وابستگی بر این اصل تاکید دارد که مسلمان بر ایجاد زمینه های استقلال موظف می باشند (دهشیری، ۱۳۸۰، ۶۳) لذا در حوزه های مختلف راه هر نوع سلطه بیگانگان بر جوامع اسلامی را مسدود کرد: از نظر سیاسی، عدم پذیرش حمایت کردن، نفی ظلم، مقابله با استبداد و استمرار عدم جواز مداخله بیگانگان در امور داخلی کشور اسلامی و عدم اجازه برای رخنه کافران در تصمیم گیری ها و از نظر نظامی عدم تسلط بر مقدرات و تدابیر نظامی مورد تاکید است. در روابط خارجی نیز بر عدم وابستگی اقتصادی و جلوگیری از نفوذ فرهنگی مورد توجه است (سجادی، ۱۳۸۳: ۵۸)

استراتژی ابلاغ پیام الهی

خداوند در سوره احزاب آیه ۳۹ بر اصل ابلاغ رسالت اشاره دارد لذا می توان گفت یکی از راهبردهای اصلی حل مشکلات ارتباطات بین الملل ابلاغ پیام خداوند و معرفی اسلام واقعی به جامعه جهانی است. در دوره کنونی تلاش عده ای بر مخدوش نموده چهره اسلام حقیقی است که منجر به مشکلات و چالش های اساسی در روابط بین المللی شده است لذا استراتژی هدایت برای کل جهان با نشان دادن مبانی ایدئولوژیک اساسی اسلام می تواند با این امر مقابله کند.

استراتژی صلح و جلوگیری از جنگ

از مهم ترین دغدغه ها در ارتباط با روابط بین المللی، حفظ صلح و جلوگیری از وقوع جنگ می باشد لذا اسلام اهتمام زیادی بر آن دارد. واژه صلح در لغت به معنای مسالمت، سازش و از بین بردن نفرت در بین مردم است و همچنین واژه اسلام نیز در لغت به معنای صلح و آرامش است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹: ۸۱) از

منظر اسلام صلح و همزیستی مسالمت آمیز انسان با عقاید و مذاهب گوناگون، یک ارزش و هدف است. هدف از صلح مصلحت گرایی نیست زیرا با زندگی فطری انسان ها سازگارتر است و در شرایط صلح مصلحت است: زیرا با زندگی فطری انسان ها سازگارتر است و در شرایط صلح، رشد و تعالی انسان و سرانجام به یگانگی آیین بشری و گرایش به حق امکان پذیرتر است. زمانی جنگ جایز است که راهکارهای مسالمت آمیز به جایی نرسد از جمله، دفع تجاوز دشمن؛ رفع استضعاف از ستمدیدگان؛ رفع فتنه؛ دفاع از سرزمین و نقض کنندگان پیمان توطئه گران و آغازگران جنگ (طاهری، ۱۳۹۴: ۸۴-۸۷) پیامبر جنگ را آخرین راه حل می دیدند و در وهله نخست دیپلماسی در حکم منادی و پیش آهنگی بود که رسالت اسلام را قبل از آغاز جنگ ابلاغ می کرد (خدوری، ۱۳۸۹، ۳۷۲)

استراتژی هدایت برای کل جهان

گرچه جریان عمومی و رسمی قدرت در روابط بین الملل بین دولت ها و سازمان ها در حال حرکت است، اما نمی توان نقش افکار عمومی را نادیده گرفت لذا یکی از استراتژی های اسلامی بکارگیری دیپلماسی عمومی است و این استراتژی به عنوان دعوت و هدایت برای کل جهان (آیه ۱۰ سوره مبارکه آل عمران) معرفی می شود و تفاوت آن با استراتژی ابلاغ پیام الهی نوع مخاطب آن است استراتژی هدایت برای کل جهان مردم محور و عام تر می باشد. همچنین این استراتژی عامل متفاوتی دارد به این معنا که در استراتژی ابلاغ پیام الهی حکوت ها عامل و حکومت ها مخاطب و در استراتژی هدایت برای جهانیان مخاطب عام مردم و عامل آن نیز عام مردم می باشند. این استراتژی رویکرد همه جانبه اسلام در بهره برداری از مشارکت مردم در تمامی سطوح از جمله ارتباطات بین الملل را مورد تاکید قرار می دهد. با این وجود در بررسی اینکه ارسال رسل چه اهدافی را دنبال می کند یکی از اساس ارسال رسل و ابلاغ پیامهای الهی ابلاغ وحدت حول محور اعتقادات و زندگی با صلح و امنیت می باشد خداوند متعال می فرماید: ما رسولان را نفرستادیم مگر اینکه به اذن خداوند، مردم از آنها پیروی نمایند، لذا از آنجاییکه ادیان ابراهیمی و وحیانی همگی از یک منبع فیض صدور یافته دیگر دلیلی بر اختلاف معارف وجود ندارد، مگر اینکه احکام بخاطر شرایط زمانی تغییر کرده و یا اینکه این معارف دستخوش تحریفاتی گردیده باشند، و احتمال دیگر اینکه ممکن است پیروان ادیان سابق به هر دلیل حاضر به پذیرش دین جدید نشوند، لذا در گفتار اول این فصل می بینیم که در هر صورت خداوند در سوره ی آل عمران می فرماید: ای پیامبر به اهل کتاب بگو بیاید تا حول محور اعتقادات مشترک مان که همان توحید است، متحد شده و غیر از خداوند معبود دیگری اختیار نکنیم، در کنار همدیگر با صلح و امنیت زندگی نماییم، چرا که در یک جامعه اگر بر روی اشتراکات اعتقادی تاکید نموده و به اختلافات دامن نزنیم، بسیاری از این برداشت های انحرافی از بین خواهد رفت و همچنین در یک محیط بدون تعصب چه بسا با مباحثه و بررسی و تحقیق حق آشکار شود، لذا قرآن بر روی مسالمتی و وحدت و همزیستی مسالمت آمیز تاکید کرده و به مسلمانان دستور ایجاد وحدت بین پیروان ادیان وحیانی را صادر می نماید، و همچنین در گفتار دوم با طرح موضوع تالیف قلوب، سعی در جلب محبت و اعتماد کفار و یا

مسلمانان ضعیف‌الایمان به جامعه‌ی اسلامی و یا حداقل دفع شر و فتنه‌ی آنان، را دارند که انشاءالله مباحث را دنبال خواهیم کرد.

استراتژی‌های تولی و تبری

از استراتژی‌های راهبردی مورد نظر قرآن در برقراری ارتباطات بی‌المللی اصل مرزبندی‌های ارتباطات با سایر کشورها است. مفهومی که در مفاهیم سیاسی به عنوان اتحادیه‌ها و در مفهوم دینی تولی توصیف می‌شود. اصل تولی نافی اصل کرامت انسانی نیست بلکه بدین معناست که علی‌رغم آنکه ارزش و کرامت انسانی دارای ارزش والایی است اما در عرصه بین‌المللی نباید با تمامی کشورها وارد معاهدات شد و در آیه سوره مبارکه ممتنه آیه ۹، چهاردسته را مبنای تفکیک ارتباطات بین‌المللی معرفی می‌کند گروهی که دین شما را به به سخره می‌گیرند؛ گروهی که به واسطه دین شما با شما وارد جنگ می‌شوند؛ گروهی که به تبعید و اخراج شما از کشورتان اقدام کرده‌اند و گروهی که رفتار سه‌گروه قبل را تایید نموده‌اند. همواره سعی پیامبر براین بود که تا جایی که مقدور است در جنگ‌ها از تفرق جبهه‌ها جلوگیری شود. به همین سبب، پس از تشریح جهاد و هجرت به مدینه با اینکه تمامی شبه جزیره عربستان هنوز در شرک به سر می‌بردند، پیامبر از ایجاد تنش با قدرت‌های بی‌طرف پرهیز نموده و و سعی نموده از آنها به عنوان متحدان خویش در برابر قریش استفاده کند (جلیلی، ۱۳۷۴، ۱۰۵-۱۰۶).

در پژوهش حاضر به بررسی تاکتیک‌ها و استراتژی‌های حل مشکل روابط بین‌المللی در فقه امامیه با تأکید بر سیره نبوی و علوی پرداخته شده است لذا در ابتدا فقه و روابط بین‌الملل و اصول اسلامی حاکم بر روابط بین‌الملل ارائه شد و سپس چالش‌ها و مشکلات روابط بین‌الملل ارائه شد. با توجه به نتایج مطالعات پژوهش حاضر تاکتیک‌ها و استراتژی‌های اسلامی حل مشکل روابط بین‌الملل عبارتند از استراتژی نفی تکثر، استراتژی ارزش و کرامت انسانیت، استراتژی مدارا، استراتژی نفی ذلت، استراتژی نفی ظلم، استراتژی استقلال و عدم وابستگی، استراتژی ابلاغ پیام الهی، استراتژی صلح و ممانعت از جنگ، استراتژی هدایت برای کل جهان و استراتژی تولی و تبری به عنوان استراتژی‌های اسلام برای حل چالش‌های روابط بین‌الملل ارائه شد.

از چالش‌های جامعه بشری عدم همگونی جوامع و تعارضات آنها است که استراتژی‌های بین‌المللی بر پذیرش این تکثر تأکید دارند در حالیکه در اسلام و فقه آن تأکید بر وحدتگرایی بر مبنای وحدت الله می‌باشد لذا یکی از استراتژی‌های جهان اسلام استراتژی نفی تکثر می‌باشد بر مبنای این استراتژی تأکید بر اصول مشترک جوامع و قبول حقانیت الله می‌باشد، بر مبنای استراتژی ارزش و کرامت انسانیت در تعاملات بین‌المللی علی‌رغم تفاوت در عقاید و گرایش‌ها باید به کرامت انسانی و ارزش آن توجه نمود به گونه‌ای که در اسلام حفظ جان یک نفر هم ارزش بالایی دارد، بر مبنای استراتژی مدارا همزیستی مسالمت‌آمیز بین جوامع شکل خواهد گرفت و تا زمانی که سایر جوامع از خطوط قرمز تبیین شده عبور نکنند سیاست بر مبنای همزیستی می‌باشد، استراتژی‌های نفی ذلت و نفی ظلم همزمان با استراتژی مدارا نقطه تعادل روابط بین‌المللی از منظر اسلام تلقی می‌شود و تا زمانی که در عرصه جهانی سایر جوامع ظلمی را بر شما و سایر جوامع معطوف ندارند، استراتژی اسلام بر مبنای استراتژی صلح و ممانعت از جنگ قرار دارد. استراتژی استقلال و عدم وابستگی به خصوص استقلال سیاسی و اقتصادی از جمله استراتژی‌های اسلام می‌باشد که تأثیر بسزایی بر اعمال سایر استراتژی‌ها دارد. یکی از راه‌حل‌های اسلام تبیین ایدئولوژیک خود برای ایجاد روابط بین‌المللی مطلوب می‌باشد لذا برای تحقق آن استراتژی ابلاغ پیام الهی به صورت رسمی و استراتژی هدایت برای کل جهان به صورت عام را مورد تأکید قرار داده است. استراتژی تولی و تبری بر مرزبندی‌های بین‌المللی و انتخاب روابط مبتنی بر دوستی و سایر کشورها تأکید دارد و در این زمینه راهگشا می‌باشد.

- ابراهیم زاده آملی، عبدالله (۱۳۸۶). انسان در نگاه اسلام و اومانیس، مجله قیستان، ۵۱-۷۰.
- ابن تراب، مریم (۱۳۸۵). اصل عدالت اجتماعی در سیست قانونگذاری اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: پروتال جامع علوم انسانی، ۱-۲۷.
- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز، اسمعیلی، محدثه. (۱۳۹۸). چالش‌ها و موانع دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه. مجلس و راهبرد، ۹۷، ۷۱-۱۰۶.
- ازغندی، سید علیرضا (۱۳۷۸). تنش زدایی در سیاست خارجی، مورد: جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست خارجی، ۱۳، ۱۰۴۷-۱۰۳۵.
- اژه ای، جواد (۱۳۸۵). انسان قرآن از دیدگاه فردی و اجتماعی، مجله روان شناسی و علوم تربیتی ویژه فلسفه تعلیم و تربیت، شماره ۳، ۲۳-۴.
- اسحاق بن محمد بن همدانی، رفیع الدین. (۱۳۷۵). سیرت رسول الله، ویرایش و بازخوانی: جعفر مدرس ادقی، تهران، مرکز.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۹). درک روابط بین الملل. فصلنامه روابط خارجی، ۴، ۱۹۳-۲۲۸.
- تسخیری، محمد علی (۱۳۸۴). اسلام و روابط بین الملل، گلستان قرآن، ۲۰۲، ۱۴-۱۷.
- جبرئیلی، محمد صفر (۱۳۷۶). کلیات و کتابش اسی شناخت، نامه مفید، ۹، ۲۴۶-۲۲۷.
- جلیلی، سعید. (۱۳۷۴). سیاست خارجی پیامبر. تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی) (۱۴۰۳). معراج الاصول، قم، آل البیت.
- خدوری، مجید. (۱۳۸۹). جنگ و صلح در اسلام. ترجمه غلامرضا سعیدی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۸). آرمانگرایی و واقعگرایی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه سیاست خارجی، ۲، ۳۵۶-۳۲۹.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹). مبانی فرانظری نظریه اسلامی روابط بین الملل. فصلنامه بین المللی روابط خارجی، ۶، ۹۳-۱.
- سجادی، عبدالقیوم. (۱۳۸۳). دیپلماسی و رفتار سیاسی اسلامی، قم: بوستان کتاب.
- سید هاشمی، سید محمد اسماعیل و موسوی خو، سید صفی اله (۱۳۹۰). اراده الهی و نسبت آن با اختیار انسان از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت، ۱، ۱-۲۱.
- شجاعی، محمد صادق (۱۳۸۶). شناخت از منظر فلسفه، روانشناسی و اسلام، ماهنامه معرفت، آبان، ۱۱۹، ۸۱-۱۰۰.
- طاهری، سید مهدی. (۱۳۹۴). بررسی انگاره های اخلاقی اسلام در عرصه ی روابط بین الملل. فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ۴، ۷۳-۹۰.
- عباسی (اشلقی)، مجید و جمالی، معصومه. (۱۳۹۹). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و نظریه اسلامی روابط بین الملل: گذار از نظریه های غربی. فصلنامه راهبرد سیاسی، ۳، ۱۳۳-۱۵۵.
- عباسی، مجید، جمالی، معصومه. (۱۳۹۹). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و نظریه اسلامی روابط بین الملل: گذار از نظریه های غربی. فصلنامه راهبرد سیاسی، ۴(۱۳)، ۱۳۳-۱۵۵.

- عبدخدایی، مجتبی. (۱۳۹۸). سکولارسازی و سکولارزدائی در نظریه روابط بین الملل، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، ۱۲(۴۵)، ۱۵۰-۱۲۱.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۹). روابط بین الملل، نظریهها و رویکردها، تهران، نشر سمت: چاپ چهارم.
- کلیتون، دیوید. (۱۳۷۹). دو رویه منفعت ملی، ترجمه: اصغر افتخاری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لینکلتر، اندر. (۱۳۸۵). نظریه هنجارگذار و روابط بین الملل، ترجمه: لیلا سازگار، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
- ماحورزی، رضا. (۱۳۹۱). تحلیلی بر مفهوم جوهر به مثابه «اساس» جزئیهای انضمامی، فصلنامه فلسفه و کلام، ۲(۴)، ۲۲-۱.
- مصفا، نسرین (۱۳۸۵). سیری در تحولات آموزشی و پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین الملل، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- موسوی، سیدمحمدحسین، خسرو، بهنام. (۱۳۹۳). اصول روابط بین الملل و سیاست خارجی: مجموعه علوم سیاسی. تهران: مهرسبحان.
- مؤمن قمی، محمد (۱۳۸۰). مبانی تحریرالوسیله الامام الخمین ی، تهران، مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی، ج ۱.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۹). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میراحمدی، منصور. (۱۳۹۲). فقه روابط بین الملل. پژوهش های سیاست اسلامی، ۱(۴)، ۳۹-۵۷.
- ورعی، سیدجواد. (۱۳۹۵). جستاری در تاریخ و ادوار فقه سیاسی شیعه. شیعه پژوهی ۱۲۵-۱۴۷، (۲(7) , هونتزینگر، ژاک. (۱۳۶۹). درآمدی بر روابط بین الملل، ترجمه عباس آگاهی، مشهد، آستان قدس رضوی
- یوسفیراد، مرتضی. (۱۳۹۱). فلسفه ی سیاسی اسلام: امکان یا امتناع، علوم سیاسی، ۵۷، ۸۷-۱۰۸.
- Schechter, Michael. (1999). *Future Multilateralism*, New York, Tokyo, Paris: United Nations University Press.